

## انقلاب را نمی‌توانید از سوپرمارکت بخرید!

معرفی کتاب

### جنبش دانشجویی در آمریکا

(رویدادها و قطعاتی از دهه‌ی ۶۰ میلادی)

«به باور ما، انسان موجودی است واجد ارزش‌های بیکران و ناشناخته که می‌تواند فراتر از هر مرز و معیاری، عشق بورزد، آزاد باشد و تعقل کند. [...] در جامعه‌ی مطلوب ما، روابط انسانی بر پایه‌ی «برادری» شکل خواهد گرفت و اعتماد عمومی، هسته‌ی اصلی آن خواهد بود. حال آن‌که این جنس از روابط اجتماعی، درست در نقطه‌ی مقابل وضع موجودی است که با ایجاد مرزهای تبعیض‌آلود و غیرانسانی، به چندپارگی و جدایی انسان‌ها مشغول است.»

بخشی از اساس‌نامه‌ی «انجمن دموکراتیک دانشجویان» آمریکا



\*\*\*

### ❖ چرا باید جنبش دانشجویی در آمریکا را شناخت؟

در ایران ما، دانشجویها، همواری بخش آرمان‌خواه و تغییرطلب جامعه بوده‌اند. قطعا چنین طلب و جستجویی، ارزشمند است اما این نهاد ناآرام جستجوگرانه، به مراقبت و بالیدن نیاز دارد، تا سرخورده و ناکام نشود.

تغییر در چه چیز؟ تغییر از کدام مسیر؟ تغییر با چه انگیزه‌هایی؟ کدام اندیشه‌ها به تغییر یاری می‌رسانند؟ کدام تغییرخواهی‌ها، راه به جایی نخواهند بُرد؟ چه نوع سبک زندگی‌ای، جستجوگری و تغییرخواهی را در ما کُند کرده یا حتی می‌میراند؟ تغییر، با چه مشقت‌هایی قرین خواهد بود؟ تغییر چه طراوت‌هایی را شکوفه خواهد داد؟

نهال آرمان‌خواهی هر نوجوان و جوانی، پژمرده خواهد شد، اگر این پرسش‌ها را بی‌جواب رها کند.

کتاب «جنبش دانشجویی در آمریکا»، ما را به سفری خواهد برد در دهه‌ی ۶۰ میلادی؛ یعنی سال‌هایی که طی آن، گروه‌های مختلف مردم و به ویژه دانشجویان، سخت و پرشور، می‌کوشیدند تا «واقع بین باشند و غیرممکن را بخواهند!» این سفر، ما را یاری خواهد کرد تا پرسش‌های مهم‌مان را پی‌گیری کنیم و به این ترتیب، نهال وجودمان را آبیاری کنیم.

\*\*\*

کتاب «جنبش دانشجویی در آمریکا»، کتابی کوتاه و جذاب در مورد یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر است: دهه‌ی ۶۰ میلادی. در این دوره، جوانان، علیه فرهنگ مسلط جامعه به اعتراض برخاستند با لباس و موهای متفاوت، آهنگ‌های متفاوت، سبک‌های جدید زندگی مشترک و ... . سیاه‌پوستان نیز بر علیه شرایط موجود مبارزه می‌کردند. آن‌ها خواستار شأنی انسانی و تغییراتی واقعی بودند. دانشجویان نیز از رویکردهای محافظه‌کارانه‌ی دانشگاهی به تنگ آمده بودند و نه فقط در آموزش، بلکه در تمام عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، خواهان تغییر بودند. جنبش‌های کارگری نیز پرشورتر از همیشه، مطالبات خود را دنبال می‌کردند. جنگ ویتنام و دخالت سلطه‌جویانه‌ی آمریکا در آن‌جا نیز جبهه‌ی مشترکی بود که تمام تحول‌خواهان جامعه در آن‌جا علیه حاکمیت آمریکا مبارزه می‌کردند.

این کتاب، علاوه بر مروری تاریخی بر سیر تحولات، تصویری از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر جنبش‌های آن دوره را نیز در اختیار خواننده می‌گذارد.



## ❖ فهرست کتاب

بخش‌های مختلف کتاب، بر طبق فهرست بدین شرح‌اند:

در بخش اول که عنوان رویدادنگاری را دارد، کلیاتی از آنچه در طی روزهای اوج اعتراض و پس از آن رخ داده، نقل می‌شود. این بخش هم‌چنین معرفِ چهره‌های برجسته‌ی آن دوره است.

بخش دوم بیانیه‌ی آغازین «انجمن دموکراتیک دانشجویان آمریکا» است. این بیانیه، یکی از ماندگارترین و کلیدی‌ترین میراث‌های آن دوره‌ی پُرتلهاب تاریخی را پیش چشم ما می‌نهد.

بخش سوم، بیانیه‌ای است از خواسته‌های «حزب پلنگ‌های سیاه»؛ یکی از اصلی‌ترین گروه‌های سیاه‌پوست فعال در اعتراضات.

بخش چهارم، مقاله‌ای است از «تام هایدن»، یکی از رهبران انجمن دانشجویان دموکراتیک. او در این مقاله، چگونگی آغاز اعتراضات و اعتصابات در دانشگاه کلمبیا را شرح می‌دهد. این مقاله، روحیه‌ی حاکم بر فعالان و رهبران جنبش دانشجویی در آن مقطع را نشان می‌دهد و گاه به آسیب‌ها و خطراتی که پیش روی جنبش دانشجویی قرار دارد نیز اشاره می‌کند.

بخش پنجم قسمتی است از متن دفاعیه‌ی «آبی هافمن»، یکی از رهبران هی‌پی‌ها در دادگاه شیکاگو. این دفاعیه، به نوعی، فهرست مطالبات جنبش هی‌پی‌ها تلقی می‌گردد.

بخش ششم نیز سخن‌رانی «جری روبین»، رهبر هی‌پی‌هاست که در جریان محاکمه‌ی دادگاه ایراد شده و آرمان‌های آن عصر را بازنمایی می‌کند.

بخش هفتم، سخن‌رانی آبی هافمن، بیست سال پس از وقایع سال‌های دهه‌ی ۶۰ است. در این سخن‌رانی، او با پذیرش برخی شکست‌های جنبش، علل و اسباب آن را بازخوانی می‌کند.

بخش پایانی نیز، مصاحبه‌ی مترجم کتاب، نادر فتوره‌چی، با تام هایدن است که هم‌زمان با ایام چاپ کتاب صورت گرفته و دیدگاه‌های امروزی هایدن را آشکار می‌کند.



جمعی از رهبران جنبش‌های مردمی در سال‌های دهه‌ی ۱۹۶۰

## ❖ قطعه‌هایی از متن کتاب

بخش اول: «شیکاگو ۶۸؛ رویدادنگاری»

۲۷ آوریل ۱۹۶۸: اعلام یک راه‌پیمایی ضدجنگ در شیکاگو ۸۰۰۰ نفر را به «لینکلن پارک» می‌آورد. در خاتمه راه‌پیمایی، پلیس به تجمع‌کنندگان دستور پراکندگی داده و بلافاصله با باتوم به آن‌ها حمله‌ور می‌شود.

بخش دوم: «بیانیه‌ی پورت هارون» (اساس‌نامه‌ی انجمن دموکراتیک دانشجویان)

این بیانیه‌ی نسل جوان است؛ نسلی که دوران بلوغ‌اش را در توهمی از آرامش و رفاه نسبی گذرانده و اکنون به دانشگاه آمده است و خود را در برابر نسل‌های آینده و «وضع موجود» که آن را نمی‌خواهد، احساس مسئولیت می‌کند. [...] نگرانی از وضعیت مردم جهان سوم و نیز سردرگمی شهروندان دنیای مدرن، یگانه موضوع مشترکی است که ما را به یکدیگر پیوند داده است.

[...] زندگی پرهیاهوی تکنولوژیک نیز... «انسان مدرن شده» را در ورطه‌ی هولناک تنهایی، کندذهنی، بیکارگی و بی‌حوصلگی رها کرده است.

[...] در حالی که دو سوم انسان‌ها از فقر و بی‌غذایی رنج می‌برند، طبقات بالای جامعه، در امواج رفاه و فراوانی محصولات مصرفی دست و پا می‌زنند. سهم آنان گرسنگی، هرج و مرج و استعمارزدگی است و سهم ما بهره‌کشی و سودجویی از منابع زمینی دیگران.

[...] روند فزاینده‌ی مصرف‌زدگی در جامعه، هر دم این ترس را دامن می‌زند که در نبرد پنهان رفاه‌طلبی و حساسیت نسبت به سرنوشت بشر، سرانجام مصرف‌زدگی و جبرباوری منفعلانه (به معنی باور به بی‌ارادگی انسان در تسلط بر سرنوشت خویش) پیروز شود.

[...] ممکن است عده‌ای بر این باور باشند که جامعه از غوطه خوردن در رفاه و مصرف‌گرایی راضی و شادکام است. اما می‌توان این رضایت را به لعابی نازک تشبیه کرد؛ لعابی کشیده شده بر روی نگرانی‌ها و اضطراب‌های واقعی از موقعیت ناپایدار جامعه در دنیای جدید.

[...] بر همین اساس انجمن ما می‌کوشد... موقعیت‌های بدیل و جایگزینی را برای وضع موجود در حوزه‌ی نظری و در سیاست عملی - که مشخصاً در زندگی روزمره انعکاس دارد - ایجاد کند.

[...] در دانشگاه‌های کشور، اساتید و رؤسا ترجیح می‌دهند که در فضایی مملو از رخوت و سکون به تکرار مکررات بی‌فایده و دیکته‌شده از سوی صاحبان قدرت بپردازند... آن‌ها در برابر این سؤال اساسی نسل ما که می‌پرسد «آیا نمی‌توان در مسیری انسانی-اخلاقی و متفاوت از وضع موجود زندگی کرد؟» یا «چگونه می‌توان وضع موجود را تغییر داد؟» سکوت می‌کنند.

[...] به باور ما، انسان موجودی است واجد ارزش‌های بیکران و ناشناخته که می‌تواند فراتر از هر مرز و معیاری، عشق بورزد، آزاد باشد و تعقل کند. [...] در جامعه‌ی مطلوب ما، روابط انسانی بر پایه‌ی «برادری» شکل خواهد گرفت و اعتماد عمومی، هسته‌ی اصلی آن خواهد بود. حال آن‌که این جنس از روابط اجتماعی، درست در نقطه‌ی مقابل وضع موجودی است که با ایجاد مرزهای تبعیض‌آلود و غیرانسانی، به چندپارگی و جدایی انسان‌ها مشغول است...

«احساس بی‌کسی و غربت» و «انزواطلبی»، تفسیری واقعی است از موقعیت انسان در دنیای امروز... به باور جنبش ما، بدیل وضع موجود که ناشی از شی‌ءوارگی و شی‌ءپرستی انسان است، تنها تزریق «عشق» به عنوان ارزش مشترک نهاد بشر در روابط انسانی و اجتماعی است که منجر به از بین رفتن مناسبات تبعیض‌آمیز و بالندگی «فرد» در جامعه‌ی زیستی‌اش می‌شود.

[...] بیان دیگر ساختار سیاسی جامعه‌ی جایگزین، «دموکراسی مشارکتی» است... که بر «همکاری گروه‌های اجتماعی در فرایند تصمیم‌سازی» استوار است.

[...] رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، بر خلاف اکنون که مملو از طرح مسائل پیش‌پا افتاده، شخصی و تبلیغاتی‌اند، بر پایه‌ی افزایش ارتباطات انسانی و دانش حرکت خواهند کرد.

[...] جنبش ما، شعار «نفی خشونت؛ لزوم تحول» را برای خود برگزیده است.

[...] کارکرد اصلی نهاد دانشگاه در کشور، نه دمیدن روحیه‌ی نقادی و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان، بلکه کشیدن دیواری حائل بین محتوای آن‌چه که مطالعه و پژوهش می‌کنند با واقعیت‌های جاری در صحنه‌ی حیات اجتماعی تثبیت‌شده است. [...] واقعیت تأسف‌بار دیگر در دانشگاه‌های کشور آن است که با تفکیک حوزه‌های مختلف علم و تخصصی شدن دانش (که از جمله ضروریات جهان پیچیده‌ی کنونی است)، تقریباً هیچ دانشجویی که در رشته‌های فنی-مهندسی یا پزشکی و به طور کلی در رشته‌های علوم پایه تحصیل می‌کند، ارتباطی میان خود و وضعیت جاری در جامعه پیرامون‌اش نمی‌بیند و تلاش برای تحول در بنیان‌های آن را صرفاً یک پروژه‌ی تخصصی، علمی و آکادمیک می‌داند که آن هم مربوط به رشته‌های علوم انسانی و جامعه‌شناسی است! گویی کنش فعال در عرصه‌ی عمومی، یک رشته‌ی تحصیلی تخصصی یا واحد درسی است...!

[...] در بیرون از دانشگاه، مردم از سوی نیروهای ناشناخته‌ی [اقتصادی و اجتماعی]، تحت کنترل و فشارند؛ نیروهایی که هیچ درکی از ماهیت‌شان ندارند و ترجیح می‌دهند که به جای فکر کردن به آن‌ها، خود را در روزمرگی و خوش‌گذرانی‌های لحظه‌ای غرق کنند.

[...] جنبش چپ جدید، خواهد کوشید که اذهان عمومی را به شکلی فعالانه، درگیر موضوعات اساسی و کلانی سازد که بر سرنوشت جمعی شهروندان، تأثیرگذار اند. و این تلاش از طریق گفتگویی انتقادی که در گستره‌ی سرزمینی و در تمامی دانشگاه‌ها به راه خواهد افتاد، محقق خواهد شد... نیروی چپ جدید باید گرفتاری‌های پیچیده اما مغفول جهان کنونی را به

شکلی عامه‌فهم بازنمایی کند... در وضعیت موجود، عامل اصلی تحول، کنش خلاق نیروهایی است که مشکلات را عمومی کنند.

[...] فعالان دانشجویی چپ جدید، به عنوان مولدهای آگاهی و دانش برای متحدان بیرونی خود، باید حرکت را از اصلاح ساختار دانشگاه آغاز کنند. بر این اساس، ابتدا جنبش ما می‌کوشد تا فرایند و ساختار نظام آموزشی-اداری دانشگاه را از قالب پدرسالارانه‌ی کنونی‌اش، خارج کند... رؤسای دانشگاه و نظام دیکتاتوری حامی آن‌ها، باید بستر لازم را برای افزایش ارتباط فعالان دانشجویی با اتحادیه‌های کارگری و تشکل‌های حامی حقوق بشر و دیگر نیروهای آزادی‌خواه بیرون از دانشگاه، فراهم کنند یا لاقط مانع ایجاد این ارتباط نباشند.

اساتید دانشگاه باید دغدغه‌های اجتماعی-سیاسی را به جای واحدهای ملال‌آور و خشک تحقیقی تدریس کنند... اساتید باید لحن فضل‌فروشانه و خودشیفته‌وارشان را با ادبیاتی قابل‌درک و صمیمانه جایگزین کنند.

بخش سوم: «آن چه می‌خواهیم، آن چه باور داریم» (مرام‌نامه و برنامه‌ی «حزب پلنگ‌های سیاه»)

[...] حکومت باید حق برخورداری سیاهان از آموزش و پرورش رایگان را به رسمیت بشناسد. در متون کتب درسی، باید تاریخ حقیقی کشور و نقش واقعی سیاه‌پوستان در ساختن آن، گنجانده شود. چرا شهروندان نباید بدانند که نقش سیاه‌پوستان در ساخت کشورشان چه بوده است؟

به باور ما، ترویج خودآگاهی و معرفت درونی، باید یکی از پایه‌های اصلی دروس در تمام مقاطع تحصیلی باشد. اگر انسان در شناخت خود و موقعیت‌اش در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و دنیایی که در آن متولد شده است ناتوان باشد، هرگز قادر نخواهد بود در وضع موجود تحولی ایجاد نماید.

[...] ما خواهان معاف شدن تمامی جوانان سیاه‌پوست از خدمت سربازی در ارتش کشور هستیم. به اعتقاد ما، جوانان سیاه‌پوست نباید برای خدمت کردن به اهداف نظامی دولت نژادپرست آمریکا، تحت فشار و اجبار باشند.

بخش چهارم: «دو تا، سه تا،... خیلی دانشگاه کلمبیا» (مقاله‌ای از «تام هایدن» یکی از رهبران جنبش)

[...] در ساختمان‌های اشغال‌شده‌ی دانشگاه کلمبیا، دانشجویان در مکان‌هایی به نام «جزیره‌های آزادی» گرد هم آمده‌اند؛ محافلی که تا به حال در هیچ مدلی از مبارزات دانشجویی وجود خارجی نداشته‌اند. دانشجویان در این جزایر آزادی که تا پیش از این، کلاس‌های کسل‌کننده‌ی درسی بودند، اکنون می‌رقصند و پایکوبی می‌کنند، جوک می‌گویند و ... اما من نگران آن هستم که پرسشی برای آینده نداشته باشند... آیا آن‌ها آگاهی درونی‌ای از راهی که انتخاب کرده‌اند، دارند؟ نمی‌دانم!

بخش پنجم: «انقلاب به سوی جامعه‌ی آزاد»

ما در این جا، در دادگاه شیکاگو می‌کوشیم نشان دهیم که جامعه‌ی آرمانی‌مان، واجد چه خصوصیات است:

[...] جایگزینی برنامه‌های بازپروری و توان‌بخشی در زندان‌ها به جای نظام خشن و ضد انسانی تنبیه و مجازات.  
[...] حکومت باید برای کارگرانی که در مشاغل سخت و زیان‌آور و یک‌نواخت مشغول به کارند امتیازات ویژه‌ای قائل شود.  
[...] برنامه‌ریزان و مدیران ارشد دولت مرکزی، باید بر اساس الگوی جغرافیایی و محیط‌زیستی هر استان، طرحی را با عنوان «تمرکز زدایی از شهرهای بزرگ» تدوین کنند. هم‌چنین دولت مرکزی باید رسانه‌هایی را که سبک زندگی روستایی را مسخره می‌کنند، مجازات کند.

[...] نظام آموزش و پرورش... دانشجویان و دانش‌آموزان باید بتوانند در فرایند برنامه‌ریزی‌های آموزشی، مشارکت داشته باشند... شکاف موجود بین «مدرسه» و «جامعه»... از بین برود. این حق هر دانشجو یا دانش‌آموز است که در زمان تحصیل، با واقعیت‌های زندگی آینده‌اش آشنا شود و نظام آموزشی نباید او را در قرنطینه‌ای از خوش‌باوری نسبت به آینده‌ای موهوم نگه دارد.

بخش ششم: مانیفست هیپیزم (سخن‌رانی «جری روبین»، رهبر هی‌پی‌ها)

[...] کم‌کم نرم شد و من سعی کردم او را تشویق کنم تا یونیفرم پلیسی‌ای که به تن داشت را درآورد. او پیشنهادم را رد کرد و گفت: «من به این شغل نیاز دارم و خانواده‌ای دارم که به من نیاز دارند!» این همان سرطانی است که جهان غرب را فراگرفته است: همه بی‌علاقه و اعتقاد کار می‌کنند، صرفاً برای آن که به آن نیاز دارند!  
از این خاطر می‌خواهم استفاده کنم تا درباره‌ی بحران معنویت و انسانیت در کشور و به طور کلی در جهان، و نقش جنبش معنوی-انقلابی هیپیزم سخن بگویم.

ما از هیچ راه‌حل سیاسی‌ای که شما (شهروندان کشور) قادر به رأی دادن به آن باشید، حمایت نمی‌کنیم، زیرا شما هرگز قادر نخواهید بود که به «انقلاب» (دگرگونی)- که تنها راه‌حل ماست- رأی دهید؛ یعنی رأی خود را به صندوق بیاندازید. این آرزو را به گور ببرید! این خوش‌خیالی است که گمان می‌کنید انقلاب را می‌توانید از سوپرمارکت بخرید؛ مثل هزاران کالای مصرفی بی‌ارزشی که هر روز می‌خرید. نه! انقلاب، کنسرو ماهی نیست عزیزان! انقلاب ماحصل تحول و دگرگونی درونی انسان‌هاست؛ تحولی که از تغییر نگاه به زندگی و یافتن خدا حادث می‌شود...

بخش هفتم: تأملی دوباره بر جنبش دانشجویی عمل‌گرا (سخن‌رانی ابی هافمن، بیست سال پس از وقایع دهه‌ی ۶۰)

[...] جدی‌ترین نیاز جنبش دانشجویی تمرین مداوم، کار جمعی و هم‌زیستی در داخل یک تشکیلات است... امیدوار باشید و با آرامش و تعقل راه ارتباط با مردم را پیدا کنید. شما برای ایجاد تحول، نیاز به ارتباط با مردم دارید.

## ❖ شناسنامه‌ی کتاب

نام کتاب: جنبش دانشجویی در آمریکا (رویدادها و قطعاتی از دهه‌ی ۶۰)

گردآوری و ترجمه: نادر فتوره‌چی

انتشارات: فرهنگ صبا (کتاب‌های کوچک ۷)

این کتاب، با حمایت موسسه‌ی فرهنگی - هنری «رخداد نو» به چاپ رسیده است

چاپ اول: ۱۳۸۷

تعداد صفحات: ۱۶۶ صفحه (قطع جیبی)

گروه سنی: جوان - میانسال - سالمند



---

۱) یکی از شعارهای دانشجویان در دهه‌ی ۱۹۶۰ این گفته است که بر روی دیواری نوشته شده بود: «واقع بین باشید و غیرممکن را بخواهید!»

2) SDS (Students for a Democratic Society)